

دانشنامه  
حج و حرمین شریفین

آبار علی - احصاء و صد

جلد اول

پژوهشگاه حج و زیارت

### ◀ منابع

الاعلاق النفیسه: احمد بن عمر بن رسته (زنده در ۲۹۰ق.)، ترجمه و تعلیق: حسین قره چانلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵ش؛ الاغانی: ابوالفرج الاصفهانی (م. ۳۵۶ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ق؛ انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ العقده الثمین فی تاریخ البلد الامین: محمد الفاسی (م. ۸۲۲ق.) به کوشش فؤاد سیر، مصر، الرساله، ۴۰۶ق؛ المناسک و اماکن طرق الحج: الحرّبی (م. ۸۵ق.)، به کوشش حمد الجاسر، ریاض، دار الیمامه، ۱۴۰۱ق.

سید حامد علی زاده موسوی



### ابن کثیر مکی: ایرانی تبار، از قراء هفت‌گانه، امام مسجدالحرام

ابومعبد عبدالله بن کثیر (۴۵-۱۲۰ق.)، ایرانی تبار<sup>۱</sup>، متولد مکه<sup>۲</sup> و فرزند عمرو بن عبدالله بن زاذان بن فیروزان بن هرمز<sup>۳</sup> از نسل ایرانیانی بود که انوشیروان، پادشاه ایران، آنان را مأمور عقب راندن حبشیان کرد.<sup>۴</sup> وی به سال ۴۵ق. در مکه زاده شد<sup>۵</sup> و بدان سبب که

بود، در همان سال به تعمیر و تکمیل این کتیبه گمارد. او این کتیبه را با «بسم الله الرحمن الرحیم. لا اله الا الله وحده لا شریک له...» آغاز کرد و با جمله «وضع الأخماس فی مواضعها التي أمر بها لذوي القربى و الیتامی و المساکین و ابن السبیل» به پایان رساند.<sup>۱</sup> این کتیبه افزون بر مباحث توحیدی مشتمل بر برخی نکات اخلاقی چون سفارش به تقوا، صلّه رحم، احیای حقوق، عدالت در حکمرانی بر مسلمانان و اطاعت از خداوند است و در پایان به برخی از موارد کاربرد خمس اشاره کرده است.

بر پایه نقلی، هنگامی که ابن غزاله نگارش کتیبه را به پایان رساند، نزد زیاد بن عبیدالله رفت و دستمزد خویش را خواست. زیاد از پرداخت اجرت وی خودداری کرد و گفت: هرگاه دیدی ما به آن فرمان‌های الهی که خود در این کتیبه نگاشته‌ای، عمل کردیم، بیا و مزد خود را بستان!<sup>۲</sup> چنین رفتاری از زیاد بن عبیدالله با کتیبه‌نویس دیگری به نام سعد النار نیز گزارش شده است<sup>۳</sup> که نشان از نادانی و تندخویی زیاد بن عبیدالله دارد.<sup>۴</sup> از زمان درگذشت ابن غزاله گزارشی در دست نیست.

۵. تهذیب الاسماء، ج ۱، ص ۲۶۵؛ المنتظم، ج ۷، ص ۲۰۳.

۶. وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۴۱.

۷. سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۳۱۸.

۸. المنتظم، ج ۷، ص ۲۰۳؛ تاریخ الاسلام، ج ۷، ص ۴۰۴.

۹. وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۴۱.

۱. الاعلاق النفیسه، ص ۸۲؛ المناسک، ص ۳۸۶.

۲. الاعلاق النفیسه، ص ۸۲؛ المناسک، ص ۳۸۷.

۳. الاغانی، ج ۴، ص ۴۲۴.

۴. الاعلاق النفیسه، ص ۸۲؛ المناسک، ص ۳۸۷.

شغل و حرفه وی در مکه، یعنی عطاری، دانسته‌اند؛ زیرا مکیان، عطار را داری می‌نامیدند.<sup>۱۴</sup> برای این نسبت احتمال‌های دیگر نیز آورده‌اند: انتساب به محلی نزدیک دریا که از آنجا عطر آورده می‌شد<sup>۱۵</sup>؛ نشان سرمایه‌داری، چرا که برای تأمین مخارج زندگی نیازمند بیرون رفتن از خانه نبود<sup>۱۶</sup>؛ نشانه زهدورزی، زیرا غالباً در خانه مشغول عبادت بود.<sup>۱۷</sup> در وصف زهد و تقوای او گفته‌اند بارها همه اموالش را در راه خدا انفاق کرد و شغلی جز عبادت نداشت.<sup>۱۸</sup> برخی نیز «دار» را از ماده «دری یدری» به معنای درایت‌مند و آگاه دانسته‌اند.<sup>۱۹</sup>

او از قاضیان مکه بود<sup>۲۰</sup> و امامت نمازهای پنج‌گانه مسجدالحرام را تا پایان عمر بر عهده داشت.<sup>۲۱</sup> مایه شهرت وی در تاریخ و علوم قرآنی، قرار گرفتنش در زمره قراء هفت‌گانه<sup>۲۲</sup> و طبقات نخستین قاریان<sup>۲۳</sup> و مقبولیت قرائت وی در مکه و حجاز است. قرائت وی

از موالی عمرو بن علقمه کنانی بود، برخی از او با عنوان ابومعبد کنانی یاد کرده‌اند.<sup>۲</sup> جز این<sup>۳</sup>، ابوسعید، ابوبکر<sup>۴</sup>، ابوعباد<sup>۵</sup>، ابومحمد و ابوصلت<sup>۶</sup> از دیگر کنیه‌های او هستند. وی که از تابعین شمرده می‌شود<sup>۷</sup>، بلند قامت، تنومند، سفید موی و دارای چشمانی میشی رنگ بود و محاسنش را به رنگ زرد یاحنایی خضاب می‌کرد.<sup>۸</sup> او را با وقار و فصیح و اندرزگوی وصف کرده‌اند.<sup>۹</sup>

در منابع تاریخی با القابی چون قاری، مکی، داری<sup>۱۰</sup> و دارانی<sup>۱۱</sup> از او یاد می‌شود. عنوان «داری» ابهام‌هایی را درباره وی پدید آورده است. برخی این عنوان را نشان انتساب وی به قبیله بنی‌الدار<sup>۱۲</sup> یا نسبت ولاء (پیمانی که بر پایه آن، شخصی در حمایت قبیله‌ای دیگر قرار می‌گیرد) او با این قبیله<sup>۱۳</sup> و گروهی نشان

۱. الاستیعاب، ج ۳، ص ۹۱۵.

۲. سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۳۱۸.

۳. الطبقات، خلیفه، ص ۴۹۶.

۴. الفهرست، ص ۳۱.

۵. سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۳۱۸.

۶. تهذیب الاسماء، ج ۱، ص ۲۶۵.

۷. التیسیر، ج ۱، ص ۳؛ تهذیب الاسماء، ج ۱، ص ۲۶۵.

۸. وفیات الاعیان، ج ۳، ص ۴۱؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۳۱۹.

۹. وفیات الاعیان، ج ۳، ص ۴۱؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۳۱۹.

۱۰. تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۳۳۲؛ تهذیب الکمال، ج ۱۵، ص ۴۶۹.

۱۱. الفهرست، ص ۳۱.

۱۲. تهذیب الکمال، ج ۱۵، ص ۴۶۸-۴۶۹.

۱۳. تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۳۲۲.

۱۴. الطبقات، خلیفه، ص ۴۹۶؛ الفهرست، ص ۳۱.

۱۵. الانساب، ج ۲، ص ۴۴۳.

۱۶. الوافی بالوفیات، ج ۱۷، ص ۲۲۰.

۱۷. الانساب، ج ۲، ص ۴۴۳.

۱۸. الانساب، ج ۲، ص ۴۴۳-۴۴۴.

۱۹. اللیاب فی تهذیب الانساب، ج ۱، ص ۴۸۴.

۲۰. وفیات الاعیان، ج ۳، ص ۴۱.

۲۱. الانساب، ج ۲، ص ۴۴۳-۴۴۴.

۲۲. المنتظم، ج ۷، ص ۲۰۳؛ البرهان، ج ۱، ص ۳۳۷.

۲۳. الطبقات، خلیفه، ص ۴۹۶؛ الفهرست، ص ۳۱.

یاء در مثل «أَلِله مع الله»<sup>۹</sup> و تخفیف همزه در مثل «جبرئیل = جبرئیل». <sup>۱۰</sup> اما برخی او را در تمام ویژگی‌های قرائت پیرو مجاهد می‌دانند.<sup>۱۱</sup>

مشایخ قرائت او عبارتند از: مجاهد بن جبر، درباس مولی ابن عباس و عبدالله بن سائب (م. ۷۳۳ق.).<sup>۱۲</sup> برخی سلسله مشایخ وی را پس از مجاهد و ابن عباس به علی بن ابی طالب رضی الله عنه<sup>۱۳</sup> و گروهی به ابی بن کعب<sup>۱۴</sup> می‌رسانند. ناقلان قرائت وی نیز از این قرارند: ابو عمرو بن علاء (م. ۱۵۴ق.)، معروف به ابن مشکان (م. ۱۶۵ق.)، اسماعیل بن عبدالله بن قسطنطین (م. ۱۹۰ق.)، خلیل بن احمد (م. ۱۷۰ق.)، حماد بن سلمه (م. ۱۶۷ق.) و شبلی بن عباد (م. ۱۴۸ق.).<sup>۱۵</sup> گسترش دهندگان قرائت او در دوره‌های بعد، محمد بن عبدالرحمن معروف به قبل (م. ۲۹۱ق.) و یک ایرانی به نام احمد بن محمد بزی (م. ۲۵۰ق.) بوده‌اند.<sup>۱۶</sup>

افزون بر نوع و سبک قرائت، آرای او در تفسیر و شأن نزول آیات نیز مورد توجه

مشهورترین قرائت مکه در سده دوم بوده<sup>۱</sup> و از او با عنوان فصیح در قرائت<sup>۲</sup> و امام مکیان در قرائت و ضبط قرآن<sup>۳</sup> یاد شده است. او و حمید بن قیس (م. ۱۳۰ق.) را مهم‌ترین قاریان مکه دانسته‌اند.<sup>۴</sup> در بیان چگونگی استناد و انتساب قرائت او سخنان گوناگون گفته‌اند؛ از جمله: انحصاری بودن قرائت وی، انتساب قرائتش از طریق مجاهد بن جبر (م. ۱۰۴ق.) و عبدالله بن عباس (م. ۶۸ق.) و ابی ابن کعب (م. ۲۲ق.) به رسول خدا صلی الله علیه و آله<sup>۵</sup>؛ متقن بودن قرائتش به سبب رسیدن سلسله سند آن به رسول خدا.<sup>۶</sup>

او و نافع (م. ۹۹ق.) را در میان قراء «حرمیان» و همراه ابن عامر «ابنان» می‌نامند.<sup>۷</sup> وی از مصحف مکه پیروی کرده است.<sup>۸</sup> برخی از ویژگی‌های قرائت وی عبارتند از: ضمه دادن میم جمع و اضافه کردن واو به آن (سمعهم = سمعهمو)، اشباع مدّ در حروف مدّ و لین هنگامی که در کنار همزه قرار گیرند، قرائت همزه مکسوره پس از همزه مفتوحه به صورت

۹. العنوان، ج ۱، ص ۴۰.

۱۰. حجة القراءات، ج ۱، ص ۱۰۷.

۱۱. السبعة فی القراءات، ص ۶۴.

۱۲. التیسیر، ج ۱، ص ۵.

۱۳. القرآن فی الاسلام، ص ۱۴۶، «پاورقی».

۱۴. تفسیر بغوی، ج ۴، ص ۵۰۱.

۱۵. السبعة فی القراءات، ج ۶۵: امتاع الاسماع، ج ۴، ص ۲۹۹.

۱۶. الوافی بالوفیات، ج ۱۷، ص ۲۲۱: البیان، ص ۱۲۸.

۱. فتح الباری، ج ۹، ص ۲۸؛ مفتاح الکرامه، ج ۷، ص ۲۱۴.

۲. تهذیب الکمال، ج ۱۵، ص ۴۷۰.

۳. امتاع الاسماع، ج ۴، ص ۲۹۹.

۴. تهذیب الکمال، ج ۱۵، ص ۴۷۰.

۵. الوافی بالوفیات، ج ۱۷، ص ۲۲۰-۲۲۱.

۶. امتاع الاسماع، ج ۴، ص ۳۲۴.

۷. العنوان، ج ۱، ص ۱.

۸. ابراز المعانی، ج ۱، ص ۲۷.

دانشوران فریقین قرار گرفته است.<sup>۱</sup> روایت‌های او که به اعتقاد ابن سعد (م. ۲۳۰ق.) و ابن حجر (م. ۸۵۲ق.) موثق‌اند، افزون بر یافته‌های قرآنی مشتمل بر دسته‌ای از گزارش‌های تاریخی هستند. وی در شأن نزول آیه ۱۰۳ نحل/۱۶ به اتهام مشرکان به پیامبر ﷺ در زمینه ارتباط با غلامی نصرانی به نام «جبر» در کوه مروه و فراگیری آیات قرآن از او اشاره کرده و این آیات را پاسخی به این اتهام دانسته است.<sup>۲</sup> نیز ابن جریر به نقل از وی در شأن نزول آیه ۱۵۳ آل عمران/۳ می‌گوید: در جنگ احد، ابوسفیان پس از توقف در شعب، ندا داد: «أَعْلُ هُبَل، یومَ یوم بدر و حنظلة بحنظله». به دستور پیامبر ﷺ مسلمانان پاسخ دادند: «الله أعلی و أجل... لایستوی أصحاب النار و أصحاب الجنة».<sup>۳</sup> نیز در شأن نزول آیه ۱۱ مائده/۵ به توطئه یهود برای قتل رسول خدا ﷺ اشاره کرده است.<sup>۴</sup> همچنین در روایت‌هایش به کیفیت نماز پیامبر در سفر<sup>۵</sup> و سفارش ایشان به صحابه در چگونگی بیان خطبه و اقامه

جماعت<sup>۶</sup> پرداخته و از رخدادهایی چون پریشان‌حالی همسران شهیدان احد<sup>۷</sup> سخن به میان آورده است. وی از برخی رخدادهای روزگار خود همچون کیفیت خطبه و نماز جمعه عمر بن عبدالعزیز در مسجدالحرام گزارش داده است.<sup>۸</sup>

روایت‌های ابن کثیر بیانگر برخی سنت‌ها و گزارش‌ها در موضوع حج نیز هستند. ابن جریر به نقل از ابن کثیر در شأن نزول آیه ۲۰۰ بقره/۲: ﴿فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ الَّذِي كَذَّبَكُمْ أَبَاءَكُمْ...﴾ می‌گوید: رسم عرب این بود که پس از فراغت از قربانی در روز دهم ذی‌حجه، به فخرفروشی درباره کارهای پدران خود می‌پرداختند. خداوند در این آیه آنان را به یاد خداوند فرامی‌خواند.<sup>۹</sup> نیز وی در روایتی روز دهم ذی‌حجه را روز حج اکبر از منظر رسول خدا ﷺ دانسته است.<sup>۱۰</sup> او در انجام مناسک حج به سنت رسول خدا ﷺ اهتمامی خاص داشته و با استناد به سیره رسول خدا ﷺ هنگامی که در طواف به برابر خانه یعلی بن منبه می‌رسیده، رو به کعبه دعا می‌کرده است.<sup>۱۱</sup>

۱. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۴۸: المحرر الوجیز، ج ۱، ص ۳۵۰، ۴۵۵: التبان، ج ۳، ص ۷۵؛ ج ۴، ص ۲۹۰، ۴۲۷: منتهی المطب، ج ۲، ص ۶۲
۲. الطبقات، ابن سعد، ج ۵، ص ۴۸۴: فتح الباری، ج ۴، ص ۳۵۵.
۳. جامع البیان، ج ۱۴، ص ۲۳۱-۲۳۲.
۴. جامع البیان، ج ۴، ص ۱۸۴.
۵. جامع البیان، ج ۶، ص ۱۹۸.
۶. المصنف، صنعانی، ج ۲، ص ۱۱۱-۱۱۲.

۷. التمهید، ج ۱۰، ص ۱۹.
۸. کنز العمال، ج ۹، ص ۶۹۴.
۹. المصنف، ابن ابی شیبہ، ج ۴، ص ۳۳۶.
۱۰. جامع البیان، ج ۲، ص ۴۰۶.
۱۱. مسند الشامیین، ج ۱، ص ۱۶۰.
۱۲. المصنف، صنعانی، ج ۵، ص ۷۷-۷۸.

قصه گو بودن شخصی همنام وی<sup>۶</sup> دانست.

با توجه به سخن ذهبی که ابن کثیر سهمی را تنها دارای یک روایت در صحیح مسلم می‌داند، می‌توان راویان اخبار ابن کثیر داری را چنین برشمرد: اسماعیل بن امیه (م. ۱۴۴ق.)، ایوب سختیانی (م. ۱۳۱ق.)، جریر بن حازم (م. ۱۷۰ق.)، حسین بن واقد مروزی (م. ۱۵۹ق.)، زمعة بن صالح، سفیان بن عیینه (م. ۱۹۸ق.)، عبدالله بن عثمان (م. ۱۳۲ق.)، عبدالله بن ابونجیح (م. ۱۳۱ق.)، عبدالملک بن جریج، عمر بن حبیب مکی (م. ۲۰۷ق.) و لیث بن ابوسلیم (م. ۱۵۸ق.)<sup>۷</sup>. مشایخ حدیث او عبارتند از: عبدالله بن زبیر (م. ۷۳ق.)، عبدالرحمن بن مطعم، عکرمه مولی ابن عباس (م. ۱۰۸ق.)<sup>۸</sup> و بدیح بن سدره<sup>۹</sup>. در شمار فرزندان وی به صدقه<sup>۱۰</sup> و علی<sup>۱۱</sup> اشاره شده است.

محل وفات ابن کثیر قاری را همگان مکه دانسته‌اند.<sup>۱۲</sup> اما سال درگذشت وی را ۱۲۰ق.<sup>۱۳</sup> و نیز ۱۲۲ق.<sup>۱۴</sup> یاد کرده‌اند و گروهی نیز به

وجود شخصی دیگر به نام عبدالله بن کثیر بن مطلب سهمی در همان روزگار، اختلاف‌ها و ابهام‌هایی را در منابع تاریخی و حدیثی پدید آورده است. برخی تنها به ابن کثیر سهمی و گروهی تنها به ابن کثیر قاری اشاره کرده‌اند. ذهبی در تفصیلی که گویا جمع‌کننده سخنان دیگران است، عقیده دارد که ابن کثیر داری از رجال مشهور مکه است و ابن کثیر سهمی که از او با عنوان «قرشی» نیز یاد می‌شود، تنها با روایت یک حدیث در صحیح مسلم شناخته می‌شود.<sup>۱</sup> ابن حجر (م. ۸۵۲ق.) پس از پذیرش این تفصیل، هر دو را ثقه و ابن کثیر قاری را ارجح دانسته است.<sup>۲</sup> البته در برابر، ذهبی کسی را نیافته که ابن کثیر سهمی را ثقه شمرده باشد.<sup>۳</sup> از پیامدهای ناصواب اختلاط میان این دو شخصیت، می‌توان انتساب قرائت مکیان به ابن کثیر سهمی را به قلم برخی از مورخان برشمرد.<sup>۴</sup> گروهی نیز وی را از قصه‌خوانان مکه دانسته‌اند.<sup>۵</sup> با توجه به عهده‌داری مناصبی چون قضاوت مکه و امامت مسجدالحرام و جایگاه ویژه وی در قرائت قرآن، شاید بتوان منشأ این نظر را

۶. سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۳۲۲.

۷. تهذیب الکمال، ج ۱۵، ص ۴۶۹.

۸. سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۳۱۸.

۹. اسد الغابه، ج ۳، ص ۶۲۳-۶۲۴.

۱۰. تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۵، ص ۱۶۳۴؛ فتح الباری، ج ۸.

۱۱. تفسیر ثعلبی، ج ۱۰، ص ۲۳۷.

۱۲. الفهرست، ص ۳۱؛ البرهان، ج ۱، ص ۳۲۷.

۱۳. الانساب، ج ۲، ص ۴۴۴.

۱۴. تاریخ الاسلام، ج ۷، ص ۴۰۴.

۱. سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۳۲۱.

۲. فتح الباری، ج ۴، ص ۳۵۵.

۳. میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۴۷۴.

۴. امتاع الاسماع، ج ۴، ص ۲۹۹.

۵. سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۳۱۹.

ابن ابی حاتم (تفسیر القرآن العظیم): ابن ابی حاتم (م. ۳۲۷ق.)، به کوشش اسعد محمد، بیروت، المكتبة العصرية، ۱۴۱۹ق؛ تفسیر بغوی (معالم التنزیل): البغوی (م. ۵۱۰ق.)، به کوشش خالد عبدالرحمن، بیروت، دار المعرفه؛ تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان): الثعلبی (م. ۴۲۷ق.)، به کوشش ابن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق؛ التمهید: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، به کوشش مصطفی و محمد عبدالکبیر، وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامیه، ۱۳۸۷ق؛ تهذیب الاسماء و اللغات: النووی (م. ۷۶۶ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۹۹۶م؛ تهذیب التهذیب: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۴ق؛ تهذیب الکمال: المزی (م. ۷۴۲ق.)، به کوشش بشار عواد، بیروت، الرسالة، ۱۴۱۵ق؛ التیسیر فی القراءات السبع: عثمان بن سعید (م. ۴۴۴ق.)، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۶ق؛ جامع البیان: الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش صدقی جمیل، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ حجة القراءات: ابوزرعه عبدالرحمن بن محمد بن زجله (م. ۴۰۳ق.)، به کوشش الافغانی، بیروت، الرسالة، ۱۴۰۲ق؛ السبعة فی القراءات: ابن مجاهد (م. ۲۴۵ق.)، به کوشش شوقی ضیف، قاهره، دار المعارف، ۱۴۰۰ق؛ سنن ابی داود: السجستانی (م. ۲۷۵ق.)، به کوشش سعید محمد اللحام، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۰ق؛ سیر اعلام النبلاء: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش گروهی از محققان، بیروت، الرسالة، ۱۴۱۳ق؛ الطبقات الکبری: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، بیروت، دار صادر؛ الطبقات: خلیفة بن خیاط (م. ۲۴۰ق.)، به کوشش سهیل زکار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛ العنوان فی القراءات السبع: اسماعیل بن خلف المقرئ (م. ۴۵۵ق.)، به

سبب ابهام‌های پیش گفته، به هر دو تاریخ اشاره نموده‌اند.<sup>۱</sup> ابن خلکان با استناد به این که عبدالله بن ادیس (متولد ۱۱۵ق.) از ابن کثیر قاری نقل قرائت کرده، ابن کثیر قاری را در گذشته پس از سال ۱۲۰ق. دانسته و عبدالله بن کثیر سهمی پیش گفته را وفات یافته در همین سال شمرده است.<sup>۲</sup>

### ◀ منابع

ابراز المعانی من حرز الامانی (شرح الشاطبیه): عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه (م. ۶۶۵ق.)، به کوشش ابراهیم عطوه، مصر، مكتبة مصطفى البابی؛ الاستیعاب: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، به کوشش البجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق؛ اسد الغابه: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق؛ امتاع الاسماع: المقریزی (م. ۸۴۵ق.)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق؛ الانساب: عبدالکریم السمعانی (م. ۵۶۲ق.)، به کوشش عبدالله عمر، بیروت، دار الجنان، ۱۴۰۸ق؛ البرهان فی علوم القرآن: الزرکشی (م. ۷۹۴ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، قاهره، احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۶ق؛ البیان فی تفسیر القرآن: الخوئی (م. ۱۴۱۳ق.)، انوار الهدی، ۱۴۰۱ق؛ تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر: الذهبی (م. ۷۴۸ق.)، به کوشش عمر عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۰ق؛ التبیان: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تفسیر

۱. البرهان، ج ۱، ص ۳۲۷.

۲. وفیات الاعیان، ج ۳، ص ۴۱.

## ابن مخلب: از ویان مکه در روزگار

### خلافت عباسیان

محمد بن اسماعیل بن مخلب مشهور به ابن مخلب<sup>۱</sup> در اوایل سده چهارم ق. همزمان با خلافت مقتدر بالله خلیفه عباسی بر مکه حکمرانی داشت.<sup>۲</sup> اما از تعیین او از جانب خلیفه عباسی گزارشی در دست نیست. برای او نام‌های دیگری چون ابن مُحارب<sup>۳</sup>، ابن مُخلد<sup>۴</sup> و ابن مجلب<sup>۵</sup> یاد شده که گویا تصحیف ابن مخلب است. آغاز و مدت حکمرانی او مشخص نیست.<sup>۶</sup> البته به سبب نابسامانی اوضاع مکه در آن روزگار، در ولایت ابن مخلب بر مکه تردید شده است.<sup>۷</sup>

از زندگی ابن مخلب جز همزمانی حکمرانی وی با حمله قرامطه بحرین به سرکردگی ابوطاهر قرمطی\* در روز ترویبه به سال ۳۱۷ ق.<sup>۸</sup> گزارشی در دست نیست.<sup>۹</sup> در

کوشش زهیر زاهد و عطیه، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۶ ق؛ فتح الباری: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ ق.)، بیروت، دار المعرفه؛ الفهرست: ابن الندیم (م. ۴۳۸ ق.)، به کوشش تجدد؛ القرآن فی الاسلام: سید محمد حسین الطباطبایی (م. ۱۴۱۲ ق.)، ترجمه: الحسینی؛ کنز العمال: المتقی الهندی (م. ۹۷۵ ق.)، به کوشش صفوة السقاء، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ ق؛ اللباب فی تهذیب الانساب: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ ق.)، به کوشش احسان عباس، بیروت، دار صادر؛ المحرر الوجیز: ابن عطیة الاندلسی (م. ۵۴۶ ق.)، به کوشش عبدالسلام، لبنان، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۳ ق؛ مسند الشامیین: الطبرانی (م. ۳۶۰ ق.)، به کوشش حمدی، بیروت، الرساله، ۱۴۱۷ ق؛ المصنّف: ابن ابی شیبہ (م. ۲۲۵ ق.)، به کوشش سعید محمد، دار الفکر، ۱۴۰۹ ق؛ المصنّف: عبدالرزاق الصنعانی (م. ۲۱۱ ق.)، به کوشش حبیب الرحمن، المجلس العلمی؛ المنتظم: ابن جوزی (م. ۵۹۷ ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق؛ منتهی المطلب: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ ق.)، چاپ سنگی؛ میزان الاعتدال فی نقد الرجال: الذهبی (م. ۷۴۸ ق.)، به کوشش البجاوی، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۸۲ ق؛ الوافی بالوفیات: الصفدی (م. ۷۶۴ ق.)، به کوشش الانزوی و ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق؛ وفيات الاعیان: ابن خلکان (م. ۶۸۱ ق.)، به کوشش احسان عباس، بیروت، دار صادر.

علی غفرانی، حامد قرائتی



۱. شفاء الغرام، ج ۲، ص ۳۰۳-۳۰۴.
۲. امراء مکه عبر عصور الاسلام، ص ۱۱۷.
۳. تاریخ الاسلام، ج ۲۳، ص ۳۸۰؛ تاریخ الخمیس، ج ۲، ص ۳۵۰؛ شذرات الذهب، ج ۴، ص ۸۱.
۴. امراء البلد الحرام، ص ۲۰.
۵. امراء البلد الحرام، ص ۲۰.
۶. غایة المرام، ج ۱، ص ۴۶۸؛ افادة الانام، ج ۳، ص ۷۱.
۷. موسوعة مكة المكرمة، ج ۱، ص ۴۳۸.
۸. التنبیه و الاشراف، ص ۳۳۴؛ الكامل، ج ۸، ص ۲۰۷.
۹. الكامل، ج ۸، ص ۲۰۷-۲۰۸؛ تاریخ الاسلام، ج ۲۳، ص ۳۸۰؛ تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۲۷۹.